

گزارش

هوشمندترین شهر دنیا کجاست؟

گیلان امروز– بسیاری از مردم، هرگز اسم شهر بینچوان را نشنیده اند. این شهر مرکز استان نینگشیا در شمال چین و یک شگفتی فنی است. این شهر طرح اولیهی «شهرهای هوشمند» است که قرار است بعدها در تمام مناطق شهری چین اعمال شود. اما این شهر سوآلات جدی در مورد حفظ حریم خصوصی ایجاد می‌کند.

صورتان پول را حساب می‌کند

در شهر بینچوان، صورتان کارت اعتباری شماس‌ت. در اتوبوس‌های محلی، نرم‌افزار تشخیص چهره جای جعبه پرداخت کرایه را گرفته است. شبیه اثرانگشت که گوشی هوشمند را باز می‌کند؛ صورت مسافران نیز به حساب‌های بانکی‌شان مرتبط است و مردم در هنگام سوارشدن به اتوبوس معطل پرداخت کرایه نمی‌شوند.

سطل زباله‌های عمومی با انرژی خورشیدی کار می‌کنند و قابلیت فشرده کردن زباله تا پنج برابر ظرفیت خود را دارند. این منطقه که در درون شهر دیگری قرار دارد، به «آزمایشگاهی زنده» تبدیل‌شده است. زمانی که سطل زباله‌ها پر شدند، سیگنالی منتشر می‌کند و معلوم می‌شود چه زمان باید آن‌ها را تخلیه کرد.

خرید مواد غذایی نیز کاری قدیمی است. ساکنان شهر از طریق برنامه‌ای درگوشی‌های خود خرید می‌کنند. همچنین به جای اینکه در خانه منتظر رسیدن کالاهای فاسدشدنی شوند، می‌توانند از یخچال‌های هوشمند که در نقاط مرکزی واقع‌اند خرید کنند.

سلام هولوگرامی

در مرکز شهر، هولوگرام‌ها به جای انسان‌ها مردم را راهنمایی می‌کنند. تعدادی کد QR به‌صورت قطعه‌ای در دیوارهای شهر قرار گرفته که به سؤال‌های متداول مردم پاسخ می‌دهد و دیگر لازم نیست کسی در صف بایستد. برای مثال جویندگان کار کدها را اسکن می‌کنند تا درباره فرصت‌های شغلی اطلاعات سریعی دریافت کنند.

بینچوان: هوشمندترین شهر دنیا

هر تعاملی که ممکن است شهروندان با دولت داشته باشند، مانند کسب مجوز یا تجدید گذرنامه، در اینجا صورت می‌گیرد. بسیاری از فرآیندهایی که درگذشته نیاز به تعامل رودررو داشت، کاملاً به‌صورت آنلاین انجام می‌شوند. این روند شامل مراقبت‌های سلامت نیز می‌شود. سایت HAODAIFU یک پورتال اینترنتی است که پزشکان را با بیماران مرتبط می‌کند و از راه دور به بیماران نسخه می‌دهد. این خدمات ازدحام بیش‌ازحد در بیمارستان‌ها را کاهش می‌دهد.

چین هوشمند

بینچوان یکی از ۲۰۰ شهر آزمایشی در پروژه «شهر هوشمند» در چین است. دولت چین که سعی دارد تا سال ۲۰۵۰ نزدیک به ۲۵۰ میلیون شهروند از مناطق روستایی را به شهرها منتقل کند، مصمم است مناطق شهری را تا حد امکان کارآمد و مجهز به فناوری کند تا از پس چنین هجوم جمعیت گسترده‌ای برآید. بینچوان برای تثبیت موقعیتش به‌عنوان «شهری هوشمند»، دو سال است که میزبان کنفرانس‌های متمرکز شهر هوشمند شده است که امسال هزار نماینده از ۶۶ کشور مختلف به خود جذب کرد.

چرا بینچوان؟

در نگاه اول، ممکن است بینچوان بهترین انتخاب برای نمایندگی شهرهای هوشمند به نظر نرسد. جمعیت ۱،۵ میلیونی این شهر در مقایسه با پکن (۱۳ میلیون) و شانگهای (۲۴ میلیون) ناچیز است. آیا بهتر نیست که با هوشمند سازی را در شهرهای توسعه‌یافته اجرا کنیم که افراد بیشتری از آن سود می‌برند؟

«پیپا» این گونه فکر نمی‌کند. او می‌گوید: «مشکلات در این شهرها همین‌الآن هم بسیار زیاد است. یک بوم خالی مانند بینچوان انعطاف‌پذیری بیشتری در پذیرش فن‌آوری‌های جدید و سپس جذب افرادی دارد که در صورت نبود این شهر، به پکن و شانگهای می‌رفتند.»

بینچوان: هوشمندترین شهر دنیا

برج‌های زیبا اما خالی زیادی در شهر وجود دارند. دکتر ایگور کالزادا استاد و مشاور ارشد برنامه‌های آینده شهری در دانشگاه آکسفورد می‌گوید: «این ساختمان‌های خالی برای شهروندان جدید ساخته‌شده‌اند. اول فناوری را تعبیه و سپس شهروندان را وارد شهر می‌کنند. اما او از این رویکرد راضی نیست. «آن‌ها با این فرض عمل می‌کنند که تمام شهرها باید از پایه ساخته شوند و بدین ترتیب همه‌چیز از روز اول خوب خواهد بود. اما شهرها این‌گونه نیستند. آنچه در پنج سال آینده با آن روبرو خواهند بود ایجاد ارتباط میان رفتار شهروندان و فناوری است که به‌هیچ‌وجه «آسانی نیست.»

گیلان امروز– بعد از آنکه سال‌ها بانک‌ها با جذب منابع هنگفت دولتی از رسوب این پول استفاده کرده و در این جریان حواشی و چالش های بسیاری نیز رقم خورد، سرانجام با اصلاح و تاکید قانون پولی و بانکی و الزام شورای پول و اعتبار حساب و کتاب دولتی در حال خروج از بانکها و انتقال برای تمرکز در بانک مرکزی است.
به گزارش ایسنا، شورای پول و اعتبار در جلسه اخیر خود موضوع تسریع در تکمیل طرح ملی انتقال حساب‌های دولتی به بانک مرکزی را مورد تاکید قرار داده است، موضعی که سالهاست شبکه بانکی درگیر آن بوده و بانک مرکزی اعلام کرده بود حساب های دولتی را از سطح شبکه بانکی جمع آوری می‌کند؛ اما هنوز محقق نشده است.
گرچه در ادبیات اقتصادی، بانکی به عنوان بانک فعالیت‌های دولت در نظر گرفته شده و حساب‌های دولتی در آن متمرکز می‌شود؛ اما در سالیان گذشته به تدریج حساب‌های دولتی ایران که عمدتاً در بانک مرکزی و بانکی ملی قرار داشت، در سطح شبکه بانکی توزیع شد.

این در حالی است که تا قبل از تصویب و ابلاغ برنامه چهارم توسعه، بانک مرکزی بنا به دلایل مختلف (از جمله تعدد و پراکندگی جغرافیایی نهادها و یاعدم دسترسی به امکانات و فن‌آوری‌های جدید در حوزه الکترونیک) و بر اساس اختیاراتی که قانون پولی و بانکی و همچنین قانون عملیات بانکی بدون ربا در اختیار آن قرار می‌داد، وظیفه نگهداری حساب‌های دولتی را به بانک‌ها و عامل دارای نمایندگی از طرف بانک مرکزی واگذار کرد. از این رو ماده (۱۰) قانون چهارم توسعه نیز شرایطی رقم زد تا بنگاه‌ها، موسسات و سازمان های دولتی و دیگر نهادهای عمومی غیر دولتی و شهرداری‌ها برای دریافت خدمات بانکی بتوانند بانک عامل راانتخاب و نسبت به انتقال حساب های خود به بانک‌های مختلف از جمله غیر دولتی‌ها کنند.

چالش‌ها شروع شد

این تمام ماجرا نبود و بعد از عملیاتی شدن قوانین و اختیارات آن، عدم نظارت بانک مرکزی بر افتتاح حساب‌ها و یا انتقال حساب‌های دولتی و مشکلات جدی در این زمینه مورد توجه قرار گرفت و بانک مرکزی در گزارش‌های خود به چالش های روال ایجاد شده اشاره داشت.

با پخش شدن حساب‌های دولتی در بین بانک‌ها به دلیل تعدد و پراکندگی که ایجاد شد، امکان کنترل صحیح و کافی درباره وجوه دولتی و حساب‌های افتتاح شده آن‌ها برای نگهداری وجود نداشت؛ از این رو مبالغ مانند منابع غیردولتی در حساب‌های متعلق به شرکت‌های تابعه دستگاه‌ها نزد بانک‌ها رسوب کرده و مسائل بسیاری را ایجاد می‌کرد، چرا که بانک‌ها می‌توانستند آن را مانند سایر منابع خود به اعطای تسهیلات و ایجاد اعتبار تخصیص دهند. در این رابطه کارشناسان معتقد بودند که گردش مانده قابل توجه این حساب‌ها منجر به خلق بی رویه پول، افزایش بیش از حد نقدینگی و به تبع آن رشد فزاینده تورم می‌شود که خود می‌تواند اقتصاد را تحت تاثیر قرار دهد.

اما در سوی دیگر به دلیل عدم دسترسی به گزارشات به موقع و دقیق از کلیه حساب‌های دولتی، بانک مرکزی تاکید داشت که در این شرایط امکان اعمال نظارت و کنترل موثر بر امور خزانه‌داری و بانک داری دولت و کنترل گردش حساب‌های هزینه‌ای و درآمدی آن میسر نیست و به دست آوردن درآمدهای دولتی با مشکلات جدی رویه رو می‌شود. همچنین به دلیل رسوب وجوه دولتی در حساب نهادهای دولتی و شرکت‌های تابعه آن‌ها در شبکه بانکی در بسیاری از موارد گردش منابع درآمدی و هزینه‌ای نهادهای دولتی با کندی انجام شده و امکان تخصیص به موقع منابع مورد نیاز برای انجام معاملات و طرح‌های دولتی وجود نداشت. علاوه بر این مشکلات عدم نظارت بانک مرکزی بر حساب‌های دولتی موجب بروز فسادهایی همچون ایجاد رانت‌های مختلف برای صاحبان

{اقتصاد}

حذف پول‌های خاص از شبکه بانکی

حساب‌های دولتی و همچنین بانک‌های افتتاح کننده حساب‌های دولتی می‌شد. در عین حال که استفاده از شوهه‌های جاری تخصیص منابع دولتی به نهادهای وشرکت‌های ذی‌ربط موجب استفاده از ابزارهای سنتی مانند چک بود. این در حالی است که استفاده از چک موجب کاهش سرعت انتقال وجوه نسبت به روش‌های پرداخت الکترونیک و نیز امکان بروز تخلفاتی مانند جعل مبلغ و امضاهای چک را فراهم می‌کرد.



به دنبال مسائل پیش آمده در سال ۱۳۹۱ بود که بانک مرکزی دستورالعمل نگهداری انواع حساب‌ها را تغییر و ماده (۱۲) قانون پولی و بانکی کشور را مدنظر قرار داد. بر اساس بند (الف) این ماده قانونی بانک مرکزی به عنوان بانکدار دولت موظف به نگهداری حساب‌های بانکی متعلق به وزارت‌خانه‌ها، موسسات وشرکت‌های دولتی، موسسات وابسته به دولت وشرکت‌های تابعه آن‌ها و نیز حساب‌های بانکی متعلق به شهرداری‌ها و نیز موسسات تابعه شهرداری‌ها و همچنین انجام عملیات بانکی دستگاه‌ها و سازمان‌ها در داخل و خارج از کشور است.

بر اساس این ماده قانونی، بانک مرکزی تصمیم به تغییر رویه قبلی گرفت و قرار بر این شد تا حساب‌های دولتی به تدریج از شبکه بانکی به خود بانک مرکزی منتقل و متمرکز شوند. چرا که معتقد بودند با مسائلی که در رابطه با نحوه گردش منابع دولتی در شبکه بانکی پیش آمده است و از سوی دیگر با رشد و توسعه ای که در صنعت بانکداری و به ویژه در حوزه پرداخت الکترونیک ایجاد شده و سامانه‌های متمرکز به عنوان زیرساخت‌های نظارتی و عاملی برای افزایش حفاظت مالی و امنیتی گسترش یافته، دیگر موانع سال‌های قبل برای انجام وظیفه بانک مرکزی یعنی نگهداری کامل حساب‌های دولتی برطرف شده است، از این رو می توان بدون نیاز به ایجاد شعبه و گسترش فعالیت‌های تصدی‌گری در حوزه اجرایی وظایف قانونی خود را در قالب بانکدار دولت انجام داده و مانع از رسوب منابع دولتی در شبکه بانکی شد.

در این جریان طی دستورالعملی نحوه نگهداری انواع حساب برای دستگاه‌های اجرایی، موسسات و شرکت‌های دولتی و همچنین نهادها و موسسات عمومی غیردولتی تغییر کرد و روان شدن حساب های دولتی به سمت بانک مرکزی رسما در دستور کار قرار گرفت. گرچه در این سال‌ها قرار بوده تا طرح با آماده شدن زیرساخت‌ها اجرایی شود ولی تاکنون به طور کامل اجرایی نشده است که البته این موضوع اخیرا مورد تاکید شورای پول و اعتبار قرار گرفت.

◆◆◆
پایان رسوب جذاب

سال هفدهم/ شماره ۴۴۹۷

گزارش

هوشمندترین شهر دنیا کجاست؟

اما اینکه چرا تمرکز حساب‌های دولتی در بانک مرکزی و خروج آن از شبکه بانکی با وجود الزامات قانونی به کندی انجام می‌شود موضعی است که حیدر مستخدمین حسینی – معاون اسبق بانک مرکزی و کارشناس امور بانکی – معتقد است جذابیت وجود این منابع برای بانک‌ها و حجم گسترده آن و از سوی دیگر امتیازاتی که در اختیار دولت قرار می‌دهند موجب شده تا جابه‌جایی این حساب‌ها با روندی کند و عدم استقبال طرفین همراه شود.

وی با بیان اینکه در کنار تمامی مسائلی که موجب توزیع حساب‌های دولتی در بین شبکه بانکی و خروج آن از انحصار بانک مرکزی و بانک ملی شد باید به شبهه تبعیض ایجاد شده در توزیع منابع نیز اشاره داشت، گفت: این که می‌خواستند در بین بانک‌ها رقابت ایجاد شده و به طور یکسان عمل شود در ورود حساب‌های دولتی به بانک‌های دیگر به ویژه بانک‌های غیردولتی بسیار قابل اهمیت بود چرا که تاکید داشتند درا ین حالت حجم قابل توجهی از منابع دراختیار چند بانک خاص قرار گرفته و این رفتاری تبعیض‌آمیز است. آن‌هم در شرایطی که حجم منابع دولت اعم از بودجه عمرانی و جاری و سایر درآمدهای آن به حدی است که می‌توانست برای بانک‌ها از ویژگی خاصی برخوردار باشد.

مستخدمین حسینی با اشاره به اینکه بانک‌ها در مقابل منابع دولتی و شرکت‌های دولتی سودی پرداخت نمی‌کنند، گفت: گرچه دریافت سود از سوی دولت در مقابل منابع خود ممنوع است، اما در سویی دیگر امتیازات ویژه‌ای از سوی بانک‌ها به مدیران و کارکنان موسسات و شرکت‌های دولتی در مقابل سپرده‌گذاری این منابع انجام می‌شود که قابل کتمان نیست. در این حالت هم بانک سود می‌برد و هم دولت اما زمانی که قرار باشد حساب‌های دولتی از

شبکه بانکی حذف و در بانک مرکزی متمرکز شوند دیگر چنین امتیازهایی وجود نداشته و طبیعی به نظر می‌رسد که با عدم استقبال بانک‌ها و دولت مواجه باشد. وی همچنین با اعتقاد به اینکه در حال حاضر نظام بانکی ما وظیفه اصلی خود را فراموش کرده و مسئولیت‌های آن در بانک‌های مختلف تفکیک شده نیست، ادامه داد: اکنون به گونه‌ای عمل می‌کنیم که انگار بانک توسعه‌ای و تخصصی نداریم و همه تجاری شده‌اند به طوری که حتی بانک‌های خاص فعالیت‌های اقتصادی می‌تمام کارهایی که بانک‌های تجاری انجام می‌دهند را در دستور کار دارند. پس تا زمانی که خلط فعالیت وجود دارد و روال دولت‌ها و مجلس‌ها نمی‌تواند تغییری در شبکه بانکی ایجاد کند نباید انتظار تعریف چارچوبی خاص برای فعالیت بانک‌ها داشت. در این شرایط انضباط مالی دچار مشکل شده وبانک‌ها تمرکز در فعالیت خود را از دست می‌دهند و نگاه است که برای دستیابی به منابع حجیمی مانند پول‌ها و حساب‌های دولت با یکدیگر رقابت کرده و حاضر به از دست دادن آن نیستند.

این کارشناس امور بانکی درباره اینکه با خارج شدن حساب‌های دولتی از شبکه بانکی حجمی از منابع بانک‌ها نیز از دسترس آن‌ها خارج می‌شود و آیا می‌تواند چالشی جدید برای تنگای مالی آن‌ها باشد، یادآورد شد: متأسفانه سیاست‌های اقتصادی و نظام بانکی به گونه‌ای است که از شفافیت لازم برخوردار نیست و خود موجب اثرات منفی بر وضعیت اقتصادی شده است این در حالی است که مروری بر وضعیت منابع بانکی نشان می‌دهد منابع آن‌ها واقعی نیستند به طوری که

از حجم بیش از ۱۰۰۰ هزار میلیاردی نقدینگی و سپرده‌های حدود ۹۰۰ هزار میلیاردی که در شبکه بانکی وجود دارد بخش قابل توجهی متعلق به دولت و مردم است پس بانک‌ها نمی‌توانند روی این پول‌ها حساب کنند و در شرایطی که قرار باشد بخشی از آن خارج شود به طور حتم با مشکل مواجه می‌شوند.

وی یادآور شد بانک‌ها باید به سمت کسب منابع و خلق پول از محل جدید رفته و تکیه خود را از پول‌های مردم که باید سیال و روان باشد و یابرداشت از بانک مرکزی، بردارند نه اینکه آن‌را به عنوان منبع تسهیلات‌دهی و محل تخصیص اعتبارات خود قرار دهند.

خودروهای لوکس قاچاق همچنان در دو راهی صادر شدن و امحاء

گیلان امروز– با گذشت بیش از دو ماه از کشف خودروهای لوکس قاچاق هنوز تصمیم نهایی برای این خودروها گرفته نشده است و با اظهارات متفاوتی که از سوی دستگاه ها و سازمان های مسئول دراین زمینه مطرح شده، همچنان این خودروها در دو راهی صادر شدن و امحاء قرار دارند.

به گزارش ایسنا، موضوع خودروهای لوکس قاچاق که در مرداد ماه امسال سر و صدای زیادی به پا کرد و بحث امحاء آن‌ها در بدو ماجرا از سوی سازمان‌ها و دستگاه‌های مربوطه ازجمله سازمان تعزیرات حکومتی، سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی و ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز به صورت جدی مطرح و حتی اعلام شد که این خودروها در فاصله زمانی کوتاهی پس از کشف شان امحاء خواهند شد اما پس از مدت کوتاهی شرایط به گونه دیگری رقم خورد و احتمال صادر شدن این خودروها قوت گرفت.

بر اساس دو ماده ۵۵ و ۵۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز درباره برخورد با کالاهای مکشوفه هیچ کالای مکشوفه قاچاقی نباید در سطح بازار باز توزیع شود و باید مورد امحاء و انهدام قرار بگیرد البته به غیر از امحاء قانون راه دیگری را هم پیش‌بینی کرده است، یعنی خروج آن کالا از کشور با اخذ تضامین دو تا پنج برابر و عرضه آن به کشورهای دیگر.

پس از گذشت مدتی از این ماجرا کم کم ورق برگشت و احتمال صادر شدن این خودروها به جای امحاء شان قوت گرفت. قاسم خورشیدی – سخنگوی ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز – درباره شرایط صادرات خودروهای قاچاق لوکس عنوان کرد که بر اساس قانون اولویت با صادرات است اما اگر برای این خودروها مشتری پیدا نشود، باید منهدم شوند. به گفته او برای صادرات کالاهای سرمایه‌ای نیاز به اسناد منشاء وجود دارد، زمانی که یک خودرو لوکس وارد می‌شود، به اعتبار اسناد منشاء آن است که وارد می‌شود و گمرک آن را ترخیص می‌کند. این گفته‌های سخنگوی این ستاد با اینکه بر امکان‌پذیر بودن صادر کردن این خودروهای قاچاق به لحاظ قانونی تاکید داشت اما به دلیل اینکه این خودروها از اسناد منشاء برخوردار نیستند به نظر می‌رسد که درعمل امکان صادرات‌شان وجود نداشته باشد، در نهایت قرار بر این شد که کمیته‌ای مشترک از ستاد مبارزه با قاچاق،سازمان تعزیرات حکومتی و سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی تشکیل شود و تصمیم نهایی را برای این خودرو مرحله تصمیم گیرنده نیست. به گفته خورشیدی سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی بر اساس قانون در مورد کالاهایی که قاچاق بودن شان قطعیت دارد حداکثر تا چهار ماه پس از صدور رای مرجع رسیدگی فرست دارد تا نسبت به تعیین تکلیف این کالاها اقدام کند. به گفته وی در این بازه زمانی سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی در صورت مهیا بودن شرایط می‌تواند نسبت به برگزاری مزایده اقدام کند و در غیر این صورت باید کالاهای قاچاق مکشوفه امحاء شوند.

دبیر شورای راهبردی طرح جویشگر بومی همچنین معتقد است در طرح جویشگر بومی و متعاقبا رایانامه‌های بومی ضعیفی وجود دارد و آن عدم شناسایی بازار است. بنابراین برای آگاهی از ظرفیت بازار باید اطلاعاتی از جمله اینکه روزانه چند نفر به گوگل مراجعه می‌کنند، چند کوئری (پرس‌وجو) به گوگل می‌فرستند، چند درصد از پرس‌وجوها به جویشگرهای بومی فرستاده می‌شود و یا چه تعداد از ایمیل‌های بومی استفاده می‌کنند، برای آنالیز کردن وجود داشته باشد. او با اشاره به بازار رایانامه‌های داخلی اظهار می‌کند: ما از سه رایانامه متعلق به شرکت‌های چاپار، النون و بیان حمایت می‌کنیم،البته این رایانامه‌ها هنوز بازار زیادی ندارند و چاپار با بیشترین بازار در بین رایانامه‌های بومی، حدود یک میلیون کاربر ثبت شده و حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار کاربر فعال دارد. بنابراین به نظر می‌رسد رایانامه‌های بومی هنوز نتوانستند آن‌طور که باید مشتری جذب کنند و شاید بهترین راهکار برای افزایش کاربران، همان‌طور که رئیس سازمان فناوری اطلاعات و همچنین رئیس پژوهشکده فناوری اطلاعات پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات هم تاکید می‌کنند، پیوستن این سرویس‌های بومی پر هزینه به خدمات دیگر از جمله جویشگرهای متنی باشد. اما در ارائه‌ی خدمات ایمیل بومی و بومی‌سازی این بخش، تاکید اصلی بر آن است که شرایطی فراهم شود تا داده‌ها و اطلاعات کشور و مردم در فضای داخلی مستقل شده و کمتر مورد استفاده مراجع بین‌الملل قرار گیرد. بدین ترتیب حتی سرویس‌هایی که ممکن است در یک شرکت و برای کارمندان آن شرکت هم ارائه شوند می‌توانند موثر واقع شوند و مانع خروج اطلاعات از کشور شوند.

همان‌طور که خسرو سلجوقی-عضو هیات عامل سازمان فناوری اطلاعات- درباره پیام‌رسان‌های بومی و سازمانی موجود اظهار کرده بود، در حال حاضر پیام‌رسان‌های زیادی درست شده که به جای اینکه جمعیت میلیونی را پوشش دهند، به عنوان پیام‌رسان‌های سازمانی اعلام می‌شوند. درواقع مدل‌های پیام‌رسانی با اندازه‌های کوچک درست کردند که بیشتر پیام‌رسان‌های سازمانی، موضوعی و تخصصی هستند.

بنابراین رایانامه‌های سازمانی این چنینی نیز اگرچه ممکن است بازار خیلی کمی داشته باشند، اما حداقل مزیتشان این است که مانع از خروج اطلاعات از کشور می‌شوند. البته این مزیت کافی نیست و باید برای جریان هزینه‌های ناشی از استفاده از جویشگرها، پیام‌رسان‌ها و رایانامه‌های خارجی، دست به کار شد و با تامین کیفیت لازم، کاربران مورد نیاز این سرویس‌های بومی را جذب کرد.